

مقایسه تطبیقی انواع بینامتنیت ژرار ژنت با نظریه بلاغت اسلامی در فصول شانزدهم و

هفدهم اصول الفصول فی حصول الوصول

سعید عابدینی^۱، دکتر عزیزاله توکلی کافی آباد (نویسنده مسئول)^۲، محمود صادق زاده^۳

چکیده

امروزه پیوند ادبیات تطبیقی و بینامتنیت دستاوردی جدید است که می‌توان در چارچوب الگوها و روش‌های آن، به تحلیل اثر پرداخت. از مهم‌ترین عوامل تحلیل در حوزه ادبیات تطبیقی، بررسی شباهت‌ها و تأثیرگذاری آثار بر یکدیگر و چگونگی تحقق یا انتقال یک موضوع و درون‌مایه است؛ ولی خوانش بینامتنی دغدغه فرارفتن از بررسی منابع مشابه و تأثیر و تأثر را دارد؛ یک متن بر پایه گفتمانی از پیش موجود، بنا می‌شود و سپس آن گفتمان را از آن خود می‌کند و حتی موجب دگرگونی معنای متن محوری می‌شود. در جستار پیش رو، با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی تطبیقی وجوه بینامتنی ژنت با نظریه بلاغت اسلامی در اصول الفصول می‌پردازیم. بر این اساس انواع بینامتنی آشکار - تعمدی، پنهان - تعمدی و ضمنی و وجوه تطبیقی آن‌ها در بلاغت اسلامی از جمله تضمین، تمثیل، ارسال‌المثل، اقتباس، عقد، اشاره، حل و انتحال و تلمیح، در این اثر بررسی می‌شود. بررسی میزان استفاده از متون پیشین بر اساس نظریه ژنت و تطبیق آن‌ها با نظریه بلاغت اسلامی از اهداف این پژوهش به شمار می‌رود. بر اساس پژوهش حاضر، بیشترین گونه بینامتنی، بینامتنیت ضمنی و در تطبیق با بلاغت اسلامی از گونه اقتباس است. پس از آن به ترتیب بینامتنیت آشکار - تعمدی، بیشترین فراوانی را دارند. خلاقیت هدایت در چگونگی به کار بردن متون پیشین و استفاده از عنصر بینامتنی و ایجاد پیوند بدیع و مبتکرانه بین متون پیشین و متن حاضر به گونه هنرمندانه باعث جذب و اقناع مخاطب می‌شود.

واژه‌های کلیدی: اصول الفصول، بلاغت اسلامی، بینامتنیت، نظریه ژرار ژانت، قرآن.

^۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران - پست الکترونیک:

abedini1396@yahoo.com

^۲ استاد یار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران - پست الکترونیک:

a.tavakolli98@gmail.com

^۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران - پست الکترونیک:

sadeghzadeh@iauyazd.ac.ir

۱. مقدمه

در بررسی یک اثر، منتقدان، آثاری از همان زبان یا زبان دیگر را در ذهن دارند و با یافتن نشانه‌های مشترک میان آنان شبکه‌ای ترکیب یافته از نشانه‌های تصویری و معنایی مشترک را ترسیم می‌کنند و در پرتو این یافته‌ها به خوانشی نو و معانی تازه دست می‌یابند و با نگرشی تطبیقی به شکل نظام‌مند می‌توانند، چگونگی تحقق یا انتقال یک متن در متنی دیگر را ردیابی کنند و به بررسی سرچشمه‌های متن پیش رو بپردازند. ما با نگرش تطبیقی می‌توانیم، نشان دهیم که متن به واسطه ارتباط متقابل با متن‌های دیگر، موجودیت دارد و در نتیجه متن بعدی باید نسبت به متن قبلی، خوانده و فهمیده شود. ولی با مطالعه بینامتنی، خواننده، بار دیگر به خلق و تکوین اثر دست می‌یابد که به مراتب، ارزشی بالاتر از یافتن وجوه تشابه و افتراق دارد. بینامتنیت که توسط «کریستوا» مطرح شده است، برای شیوه‌های چندگانه ارتباط متون با یکدیگر به کار می‌رود. وی معتقد است: «در هر متن، متون دیگر در سطح متغیر و قابل شناسایی حضور دارد. متن‌هایی که می‌توانند به فرهنگ‌های پیشین متعلق باشند. اهمیت بینامتنیت در این است که نظام نشانه‌ای متون پیشین را نفی کرده، یک نظام نشانه‌ای جدیدی تأسیس می‌کند» (Kristeva, 1984: 60).

بینامتنیت و نقد بینامتنی از جمله مباحث نقد ادبی است که در عرصه‌های مختلف ادبی راه یافته است و پژوهش‌ها و آثار ارزشمندی را به خود اختصاص داده است. «نظریه پردازان مختلف هر یک از منظری به این مفهوم نگرسته‌اند و آن را در نقد متون مختلف به کار گرفته‌اند» (روضاتیان و میرباقری فرد، ۱۳۹۰: ۹۰).

بینامتنیت «Intertextuality» یکی از مقوله‌های مهم در آثار ادبی ملل با سابقه در فرهنگ و ادب است و «مبتنی بر این اندیشه است که متن، نظامی بسته و مستقل و یگانه و تنها نیست و اگر چنین باشد، آن متغیر قابل فهم می‌شود» (Frow, 2005: 4).

«بینامتنیت با هدف کشف نشانه‌ها و آثار متون دیگر بر یک متن، در پی این است که روابط موجود میان متن حاضر و متون دیگر را به عنوان متن غایب بررسی کند و به تعاملات گوناگون ادبی، زبانی و فرهنگی بپردازد» (صلاحی مقدم و امیری، ۱۳۹۲: ۱۲۱۲). به گونه‌ای که خواننده را در درک عمیق‌تر و فهم بهتر یک متن یاری رساند. گرچه بینامتنیت قدمتی دیرینه دارد (سلمانی و یاری، ۱۳۹۰: ۱۰۷)؛ ولی برخی معتقدند

بینامتنی از پدیده‌های نوظهور در نقد ادبی معاصر به شمار می‌آید که روابط بین متون را نقد و بررسی می‌کند و بر اساس آن می‌توان متون مختلف و سروده‌های شاعران و نویسندگان را تشریح و نقد کرد. «نظریهٔ تعامل متن‌ها یکی از مهم‌ترین مباحثی است که توجه پژوهشگران ساختگرا و پساساختگرا مانند کریستوا (Kristeva)، بارت (Bart)، ژنت (Genet)، دریدا (Derrida) (۱۹۳۰-۲۰۰۸ م) و... را به خود جلب کرده است» (حیدری و دارایی، ۱۳۹۲: ۵۸). در حقیقت متن به شکل فراینده‌ای از تجربهٔ شاعر و نویسنده، بهره می‌برد و اقتباس‌های بینامتنی به صورت آگاهانه یا ناخودآگاه به آن اضافه می‌شود. این دستاورد نوین در حوزهٔ ادبیات، به بررسی وجوه تشابه و تفارق و نیز تأثیرپذیری یک متن از متون دیگر چه در حوزهٔ شعر و چه در حوزهٔ نثر می‌پردازد و مقتضی آن است که ادیب از متون قدیمی یا معاصر خود، آگاهی لازم را داشته باشد تا بتواند از آن متون بهره گیرد.

۱-۱. بیان مسئله

«ژرار ژنت اساس بینامتنیت را نه مناسبات پنهان و گمراه‌کننده، بلکه آشکار کردن پیوندهای متن با متون ماقبل می‌داند که می‌توان رمزگان ارجاعی یا فرهنگی (هماهنگی متن با فضای فرهنگی و گفتمانی حاکم) مورد نظر «بارت» را نیز هم راستای آن به شمار آورد» (کالر، ۱۳۸۸: ۲۸۶). به هر حال بینامتنیت یا پدیدهٔ نفوذ یا نقد نفوذ، یکی از راه‌های مهم نفوذ به متون و آثار ادبی است که از طریق آن می‌توانیم به آبخشورهای فکری و مانیفست‌های ادبی شاعر یا نویسنده و مآخذ اصلی و ارجاع دهندهٔ آثار آن‌ها پی ببریم و اگرچه که نمی‌توان در یک متن، به همهٔ مآخذ و سرچشمه‌های فکری آن دست یافت، اما از طریق بینامتنیت و شاخه‌های گوناگون آن، می‌توان به کشف بیشتر آن‌ها نائل آمد و به زبان دیگر، پرده از راز متن غالب یا پنهان، در آثار مورد نظر برداشت.

بنابراین، هر متن را تنها در ارتباط با متون دیگر می‌توان خواند و این تجربه به واسطهٔ رمزگان‌هایی امکان‌پذیر است که به فضای گفتمانی هر فرهنگ، جان می‌بخشد و نشان می‌دهد که هر اثر، تنها محصول یک فرد با زندگی نامه‌ای بدون ابهام نیست که بتوان درباره‌اش اطلاعاتی به دست آورد، بلکه اگرچه که «در هر سنت ادبی، کشاکشی

پیچیده و جذاب بین نویسندگان و شاعران توانا برای حفظ هویت خود با نویسندگان و شاعران پیشین وجود دارد تا تأثیر آنان را به چالش بکشد» (نوریس، ۱۳۸۵: ۱۸۴) اما این تأثیرپذیری‌ها انکارناپذیرند. ادبیات ایران به‌طور کلی و به ویژه ادبیات عرفانی و صوفیانه نیز از این مقوله، مستثنی نیست. مطالعات بینامتنی در ایران اگرچه با تأخیر آغاز شد؛ اما این جریان موجب شکل‌گیری آثاری ارزشمند در این زمینه شد.

کتاب اصول الفصول فی حصول الوصول، اثر رضا قلی خان هدایت، از جمله متونی است که می‌توان آن را از دیدگاه بینامتنیت مورد بررسی قرار داد. ویژگی اساسی این گونه متون عرفانی، چندبعدی بودن آن‌ها است. این متون، بدون استثنا از متن‌های قبل از خود وام گرفته‌اند و هیچ متنی نیست که از متون دیگر استفاده نکرده باشد.

در پژوهش حاضر، وجوه بینامتنی فصول شانزدهم و هفدهم اصول الفصول فی حصول الوصول، بر پایه نظریه ژنت و با تطبیق این نظریه با نظریه بلاغت اسلامی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. اصول الفصول یک دایره‌المعارف عرفانی است که دو نسخه خطی از آن موجود است. یکی در کتابخانه مجلس شورای ملی که پیش‌تر شناخته شده بود و نسخه دیگر که به تازگی با انتشار فهرست نسخ خطی دانشگاه بوعلی سینای همدان در این دانشگاه یافته شد.

بررسی تطبیقی بینامتنیت ژنت با نظریه بلاغت اسلامی، بر مبنای پژوهش علی صباغی با عنوان «بررسی تطبیقی محورهای سه‌گانه بینامتنیت ژنت و بخش‌هایی از نظریه بلاغت اسلامی» انجام گرفته است. نثر هدایت به دلیل داشتن وجوه اشتراک، تکرارها، اقتباس، وام‌گیری، مشابهت‌ها، تضمین و... با بسیاری از متون عرفانی پیش از خود، از جمله آثاری محسوب می‌شود که با نظریه ژنت و تطبیق این نظریه با بلاغت اسلامی، همخوانی و مطابقت دارد. در این پژوهش به روابط میان متنی و تطبیق آن با بلاغت اسلامی پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است که نسخه خطی اصول الفصول هنوز به طور کامل تصحیح و چاپ نشده است و فقط فصول شانزدهم و هفدهم که بیشترین بخش کتاب را شامل می‌شود در سال ۱۳۸۷ به وسیله محمدابراهیم ایرج پور به عنوان پایان‌نامه دکتری، تصحیح شده است.

۱-۲. سؤال پژوهش

- رضا قلی خان هدایت در کتاب اصول الفصول تا چه حد از قرآن تأثیر پذیرفته است؟
- هدایت در بهره‌گیری از قرآن، کدام رابطه بینامتنی را بیشتر به کار برده است؟
- از دیدگاه بینامتنیت آیا هدایت در کتاب اصول الفصول خویش به‌طور مستقیم و نیز به‌صورت آگاهانه اقدام به آوردن آیات کرده است؟ یا بیشتر سعی در پنهان نمودن این لایه‌های بینامتنی داشته است؟

۱-۳. فرضیه پژوهش

چنین به نظر می‌رسد که هدایت در اصول الفصول در سطوح مختلف، از قرآن کریم تأثیر بسزایی گرفته است. از آنجا که هدایت، الفاظ و آیات قرآنی را گاه در نوشتار خود به وضوح به کار برده، از دیدگاه بینامتنیت، این احتمال داده می‌شود که وی مستقیماً مضامین دینی را در نثرش به کار برده باشد و به‌طور مستقیم و نیز به‌صورت آگاهانه اقدام به آوردن آیات کرده است.

۱-۴. پیشینه پژوهش

نسخه خطی اصول الفصول فی حصول الوصول، از یک‌سو، به دلیل بیان موضوعات عرفانی عصر قاجار و وجاهت علمی مؤلف که از مورخان و ادیبان برجسته دوران قاجار بوده، اهمیتی ویژه دارد و از دیگر سو، به دلیل تنوع مطالب، اعم از مسائل عرفانی، حکمی و تفسیر آیات و احادیث، مجموعه‌ای منتخب و گزیده آثار عرفانی روزگار خود را نیز به دست می‌دهد که با زبانی ساده و روشن و به دور از غموض و ابهام، شایان عنایت و تعمق است. معرفی و بررسی این اثر به‌جز مقاله‌ای کوتاه از محمدابراهیم ایرج پور (۱۳۸۷)، با عنوان «اصول الفصول، دانشنامه‌ای گمنام در تحقیقات عرفانی» و رساله دکتری از همین نویسنده (۱۳۸۷)، با عنوان «تصحیح، تحشیه و مقدمه‌ای بر اصل شانزدهم و هفدهم اصول الفصول فی حصول الوصول» پژوهش دیگری اختصاص نیافته است.

بررسی سابقه تحقیق نشان می‌دهد، پژوهشی که در آن به بررسی تطبیقی انواع بینامتنیت ژنت با نظریه بلاغت اسلامی در اصول الفصول فی حصول الوصول پرداخته شده

باشد، صورت نگرفته است. از این رو تحقیق در این زمینه، دریچه‌ای برای فهم لایه‌های زیرین و دلالت‌های ضمنی متن اصول الفصول بر روی خواننده خواهد گشود.

۲- نظریه بینامتنیت ژنت

اصطلاح بینامتنیت نخستین بار توسط ژولیا کریستوا از دهه ۱۹۶۰ مطرح شد و سپس کسانی چون رولان بارت و ژرار ژنت، به اصلاح و گسترش این نظریه پرداختند (آلن، ۱۳۸۰: ۱۲۹). نظریه‌ای است که به خوانش یک متن یا یک اثر هنری در راستای متون دیگر می‌پردازد و با این روش، تأثیری را که متن‌های جدید در خلق آثار جدید می‌گذارند، مورد توجه قرار می‌دهد. بینامتنیت به توضیح این مطلب می‌پردازد که «هیچ گفته‌ای نیست، مگر این که از گفته دیگر برگرفته باشد و هیچ قولی نیست، مگر این که خود نقل قول دیگری باشد» (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۱۱۷). «بینامتنیت از کشف‌های مهم قرن بیستم است که نگرش نوینی در زمینه رابطه عناصر کهکشان متن‌ها ارائه می‌دهد و به تعامل و جاذبه میان‌متنی می‌پردازد» (همان: ۱۰). بینامتنی توجه ما را به متون پیشین جلب می‌کند. بنا به قاعده بینامتنی، هر متن تنها به این دلیل معنا دارد که ما پیش‌تر متونی را خوانده‌ایم. با تأکید بر این «دانش پیشینی» ناگزیریم که متون پیشین را چونان سازندگان رمزگان گوناگون بدانیم که افق دلالت را ممکن می‌کنند» (احمدی، ۱۳۸۶: ۳۲۷). بر این اساس، اثر ادبی اصالت ندارد «هر اثر ادبی تنها جزئی از گفتمان‌های متعددی است که هر متن، معنا و دلالت‌های خود را از آن‌ها می‌گیرد» (یزدان جو، ۱۳۷۹: ۲۴۸)؛ به عبارت دیگر، هر متن ناگزیر از برخورد با متون دیگر است. این دیدگاه مالکیت منحصر به فرد و اصالت اندیشه هنرمند را تضعیف می‌کند و خلاقیت هنری و ادبی را فرایند بازسازی و پذیرش حضور سخن دیگری در متن خود می‌داند؛ به دیگر سخن، هر اثر، منبع الهامی گوناگونی دارد که در متن اثر حل و هضم شده‌اند. پیش‌تر ارتباط بین مؤلف و متن از اهمیت زیادی برخوردار بود؛ ولی «بینامتنیت به جای ارتباط چالشی مؤلف - متن، ارتباط چالشی میان خواننده و متن را قرار می‌دهد، ارتباطی که معنای متنی را در دل تاریخ گفتمان جای می‌دهد» (همان: ۲۴۷). بنا بر نظریه بینامتنیت، نویسنده برای پدید آوردن یک اثر، چند متن را با هم

تلفیق می‌کند و بر پایه آن‌ها، متن جدیدی را خلق می‌کند. پس متن «یک فضای چندبعدی است که در آن تنوعی از نوشته‌هایی که هیچ‌کدام منشأ نیستند باهم مخلوط می‌شوند. متن بافته‌ای از نقل‌قول‌هاست. نویسنده، تنها می‌تواند ژستی را که همیشه پیش رو دارد، تقلید کند. تنها قدرت او به هم آمیختن نوشته‌ها و تقابل دادن برخی با برخی دیگر است. طوری که هیچ‌کدام مهم‌تر از آن یکی نیستند» (چندلر، ۱۳۸۶: ۲۸۰).

مواردی که می‌توان در قالب بینامتنیت مورد توجه و بررسی قرار گیرند، عبارت‌اند از: «اشخاص، رخدادهای، متون یا آثار بخشی از متن‌ها یا آثار دیگری که در نوشته‌ها به شکل نقل‌قول‌ها ظاهر می‌شوند، ژانر، ساختار متن و رسانه‌های دیگر» (ساسانی، ۱۳۸۳: ۸۱)؛ بنابراین، هر نویسنده برای پرداختن به داستان و رمان، نیازمند مطالعه در زمینه‌های مختلف است تا اثری که خلق می‌کند، دارای ارزش باشد و مورد توجه قرار گیرد. گاهی نویسنده قصد دارد تا وقایع تاریخی و اجتماعی زمان خود را در اثرش انعکاس دهد و این عمل را به صورت گسترده، بسط می‌دهد یا مختصروار در اثر می‌گنجاند. منتقدان و نظریه‌پردازان حوزه بینامتنیت در این نگرش، متفق‌اند که هر اثر ادبی، مکالمه‌ای است با دیگر آثار. به همین سبب چندصدا در یک متن شنیده می‌شود و متن به کلی مستقل و ابداعی وجود ندارد. «توجه دقیق به رویکرد بینامتنیت و تلاش برای نشان دادن اهمیت آن باعث تمرکز بر دیگر گفتمان‌هایی می‌شود که درون و ورای یک متن، قابل شناسایی‌اند و در پی تعیین آن‌ها هستیم» (کالر، ۱۳۸۸: ۱۹۶).

پس از «کریستوا»، ژرار ژنت، نظریه‌پرداز و منتقد معاصر فرانسوی، مطالعات او را گسترش داد. «ژرار ژنت» اساس بینامتنیت را «نه مناسبات پنهان و گمراه‌کننده، بلکه آشکار کردن پیوندهای متن با متون ماقبل می‌داند که می‌توان رمزگان ارجاعی یا فرهنگی (هماهنگی متن با فضای فرهنگی و گفتمانی حاکم) مورد نظر «بارت» را نیز هم‌راستی آن به شمار آورد» (کالر، ۱۳۸۸: ۲۸۶). او در مقاله «ساختارگرایی و نقّادی ادبی» از نویسندگانی سخن می‌گوید که «با آرایش بخشیدن به عناصری که پیش‌ازین در موضوعات مطالعاتی آن‌ها آرایش یافته‌اند؛ ساختاری برآمده از یک ساختار قبلی را خلق می‌کنند که این ساختار حاصل از بازآرایی، با آن ساختار اصیل اولیه، یکسان نبوده؛ اما به‌واسطه همان بازآرایی، هم‌چون توصیف مضمون‌ها، بن‌مایه‌ها، واژگان کلیدی، استعارات

چشمگیر و... هم‌چون توصیف و تشریحی از آن ساختار اصیل، ایفای نقش می‌کنند» (احمدی، ۱۳۸۶: ۳۰۸).

«ژنت» از افراد تأثیرگذار در تکمیل نظریه «بینامتنیت» و واضح نظریه «ترامتنیت» است. او واژه «چند متنیت» یا «ترامتنیت» را عام‌تر از بینامتنیت در نظر گرفت و به هر نوع رابطه‌ای که یک متن با غیر خود دارد، اطلاق کرد و نظامی خاص را برای تحلیل دلالت‌های متن، ترسیم کرد. «ژنت»، همه آثار ادبی را برگرفته از این نظام خاص می‌داند و برای تبیین نظریه‌اش، به جای تمرکز بر اثر منفرد، درباره شیوه‌های خلق متون و نظام‌های قابل توصیف بحث کرد؛ بنابراین «در نظریه او، با توجه به این که هر متن، در حقیقت، جلوه‌گاهی از دیگر متون است؛ رابطه یک اثر یا یک متن با یک نظام، مورد توجه است» (فرضی شوب، ۱۳۹۳: ۱۵۷).

«ژنت» اصطلاح «ترامتنیت» را برای نشان دادن انواع ارتباط یک متن با دیگر متون برگزید. «ترامتنیت» از منظر او، شامل هر نوع رابطه‌ای است که یک متن با غیر خود دارد و به کلیه ارتباطات متنی اطلاق می‌شود که بر اساس تفسیر استوار شده باشد. «ترامتنیتی که او ارائه می‌کند، امروزه از رایج‌ترین رویکردهای مطالعاتی در ادبیات و هنر محسوب می‌شود» (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۲۲۵). «او مفهوم بینامتنیت «کریستوایی» را محدودکننده می‌خواند و آن را به حضور آشکار یا صریح (نقل قول) یا غیرصریح (سرقتهای ادبی) یا ضمنی (مثل کنایات و تلمیحات) بخشی از متن در متنی دیگر، محصور می‌داند» (قاسم‌زاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰۳).

«ژنت» مجموعه ارتباطات یک متن با متنی دیگر را در پنج دسته قرار می‌دهد که عبارت‌اند از: سرمتنیت، پیرامتنیت، بینامتنیت، فرامتنیت و بیش متنیت. «او بینامتنیت را گونه‌ای از زیرمجموعه ترامتنیت برمی‌شمارد و هرگونه اشاره تلمیحی، سرقته ادبی، نقل قول و اشارات ضمنی را در ردیف «بینامتنیت» می‌داند» (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۸۳). «از نظر او، گونه‌های ترامتنیت باید روشن باشد، «به گونه‌ای که خواننده مجبور نشود متن را از جهات مختلف بخواند، بلکه متن باید چنان باشد که خواننده در صورت اشاره، متن را بفهمد» (Philips، ۲۰۰۵: ۶).

«ژرار ژنت»، «فرامتنیت» را نیز از گونه‌های «ترامتنیت» برمی‌شمارد و هر چیزی که پنهانی یا آشکارا متن را در ارتباط با دیگر متن‌ها قرار می‌دهد، «ترامتنیت» می‌نامد (ر.ک. Genette, ۱۹۹۷: ۲-۸). او معتقد است که «هرگاه متن نخست، متن دوم را تفسیر و نقد کند، رابطه بین آن‌ها رابطه‌ای فرامتنی است؛ یعنی متن نخست، فرامتنی برای متن دوم است» (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۹۳) و متن دوم به نوعی «با متن نخست، متحد است به گونه‌ای که بدون اجباری به نقل کردن و گاه حتی بدون نام بردن، از متن نخست سخن می‌گوید.» (آلن، ۱۳۸۰: ۱۴۹) با توجه به این تعاریف، به نظر می‌رسد «فرامتنیت» از نظر «ژنت»، «همان تعبیری است که گاه دیگران با توسع معنایی، برای «بینامتنیت» قائل‌اند، به این معنا که «بینامتنیت»، دریافت خواننده از مناسبات میان یک متن و دیگر متن‌های پیشین است و «فرامتنیت ژنت» نیز دغدغه‌اش، فراهم کردن مجال برای طرح «بینامتنیت» احتمالی» و نیز «بینامتنیت حتمی» است.

۴. تطبیق بینامتنیت ژنت با نظریه بلاغت اسلامی در اصول الفصول

بر اساس نظریه ژنت، همه متون، آمیزه‌ای از نوشته‌ها و متون پیش از خود هستند؛ اما شیوه تأثیرپذیری آن‌ها با توجه به ایضاحات یا ابهام متون گذشته در متن حاضر متفاوت است. بر همین اساس، همان‌گونه که گفته شد، او نظریه بینامتنیت خود را به سه گونه آشکار - تعمدی، پنهان - تعمدی و بینامتنیت ضمنی، تقسیم می‌کند. صباغی نیز بر اساس اشتراکات گونه بینامتنیت ژنت با نظریه بلاغت اسلامی، آن‌ها را با هم تطبیق داده که در ادامه به بررسی این نظریه تطبیقی در اصول الفصول و ارائه نمونه‌های آن می‌پردازیم:

۴-۱. بینامتنیت آشکار - تعمدی

۴-۱-۱. تضمین

در این نوع بینامتنیت، حضور آشکار یک متن در متن دیگر دیده می‌شود. به عبارت دیگر، در این نوع بینامتنیت، مؤلف متن دوم، مرجع متن خود، یعنی متن اول را پنهان نمی‌کند. به همین دلیل، حضور متن دیگری در آن مشاهده می‌شود. از این منظر، نقل قول، گونه‌ای بینامتنی است که نقل قول با ارجاع و نقل قول بدون ارجاع از تقسیمات آن است.

در این گونه از پیوند بینامتنی، هنرمند متأخر، تمام یا بخشی از متن هنرمند گذشته یا معاصر را در کلام خود می‌گنجاند. در بلاغت اسلامی این نوع بینامتنیت را با عنوان «تضمین» و گونه‌های فرعی آن تعریف کرده‌اند. تضمین بر اساس اندازه برگرفتن هنرمند متأخر از متن پیشین، بر دو نوع رفو (ایداع) و استعانت است. همچنین به نام و نشان منبع پیشین هم دقت نشان داده‌اند و بر اساس یادکرد آن نام و نشان، تضمین را به دو نوع مصرح و مبهم دانسته‌اند. اگر در بررسی تضمین و انواع فرعی آن، مانند اقتباس، حل، درج و...، حوزه معنایی این اصطلاح را گسترش دهیم و آن را صرفاً به تضمین شعر، محدود نکنیم، درمی‌یابیم که در منابع بلاغت اسلامی به بینامتنی بسیار توجه شده است و با جزئی‌نگری، انواع فرعی متعددی برای آن برشمرده شده است. به نظر ما اگر تضمین را گنجاندن کلام دیگری، اعم از آیه، حدیث، شعر، مثل و... میان سخن خویش تعریف کنیم، می‌توانیم انواع آن را به صورت مشخص مدون نماییم و آن‌ها را از گنجاندن یک نشانه زبانی تا بخشی از گفتار یا تمام گفتار دیگری، به صورت منسجم یا پربشان، تعیین و تحدید نماییم.

نکته مهم در درک و تشخیص پیوندهای بینامتنی این است که مخاطب دریابد، در بینامتنی تکوینی، پشتوانه فرهنگی هنرمند و دانش و توانایی وی در بهره‌گیری از سرچشمه‌های گوناگون فرهنگی چیست و چقدر است و این سرچشمه‌ها کدام‌اند؟ همچنین درک پیوند بینامتنی، در صورتی که آشکار و اعلام شده نباشد، در نوع بینامتنی خوانشی منوط به میزان آگاهی مخاطب از متون پیشین است.

گونه‌های این بینامتنیت در اصول الفصول نسبت به دو نوع بینامتنیت پنهان - تعمدی و بینامتنیت ضمنی بیشتر است؛ بنابراین با توجه به اهمیت تضمین درمی‌یابیم که در بلاغت اسلامی به بینامتنیت توجه زیادی شده است که به دقت نظر و ژرف‌نگری، اسامی متعددی بر گونه‌های آن نهاده‌اند. از آن جایی که حالت غالب بینامتنیتی آشکار - تعمدی ژنت در اصول الفصول تضمین است، گونه‌هایی از آن را به عنوان نمونه می‌آوریم:

«و اما علم نحو، پس او اول کسی است که وضع کرد او را از برای ابی اسود دوئلی که او شنید از مردی که قرائت می‌کرد أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ و به کسر لام» (هدایت: ۲).

که عبارت «أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ» از آیه شریفه زیر اقتباس شده است: «وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه/۳)

«امیر تیمور سید را از توقف سمرقند منع کردند. سید فرمود «يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَ أَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ» و از سمرقند بیرون آمده به خانه خواجه زکریای باغی رفته، متوقف شدند» (هدایت: ۳۷).

در عبارت بالا از آیه کریمه زیر برگرفته شده است: «يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَ أَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ» (نحل/۸۳)

«نکته مهم در درک و تشخیص پیوندهای بینامتنی این است که مخاطب دریابد در بینامتنی تکوینی پشتوانه فرهنگی هنرمند و دانش و توانایی وی در بهره‌گیری از سرچشمه‌های گوناگون فرهنگی چیست و چقدر است و این سرچشمه‌ها کدام‌اند» (صباغی، ۱۳۹۱: ۶۳). خلاقیت هدایت در به کار بردن به موقع آیات، باعث شده است که پیوندی بدیع و مبتکرانه میان متن پیشین و متن حاضر ایجاد گردد که مخاطب را اقناع می‌کند و جلوه هنری خاصی به بینامتنیت به کار برده شده می‌دهد.

از دیدگاه نقد ادبی، صرف، بینامتنیت آشکار - تعمدی، مانند تضمین مصرح و گونه‌های فرعی تضمین، چندان جلوه هنری ندارد و زیبایی آن در گرو چند عامل است: خلاقیت هنرمند در احضار بهنگام متن پیشین، غافلگیر کردن مخاطب و اعجاب و اقناع او، پیوند با سنت ادبی، پیوند بدیع و مبتکرانه میان متون پیشین و حاضر و ...

«و فقیر گوید: این معنی دلیل بر کمال همت و نهایت رحمت است. معنی «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» همین خواهد بود.» (هدایت: ۵۱)

در عبارت بالا از آیه کریمه زیر برگرفته شده است: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر/۵۳)

حاصل بررسی بالا نشان می‌دهد که بینامتنی آشکارا - تعمدی در نظریه ژرار ژنت با تضمین و گونه‌های فرعی آن در بلاغت اسلامی، به صورت زیر، هم‌پوشانی دارد.

تضمین و انواع آن	بینامتنی آشکارا - تعمدی
<p>الف. از نظر اندازه مطلب تضمین شده: ۱. رفو یا ایداع، ۲. استعانت.</p> <p>ب. از نظر تعیین منبع تضمین: ۱. مصرح، ۲. مبهم.</p> <p>ج. گونه‌های فرعی تضمین: ۱. الحاق، ۲. تولید، ۳. حسن اتباع، ۴. اقتباس، ۵. حل، ۶. عقد، ۷. درج، ۸. عنوان، ۹. ترجمه آیه یا حدیث.</p>	تضمین

۴-۲. بینامتنیت ضمنی

در این نوع از بینامتنیت، پیوند میان متن حاضر و متن پیشین به تمامی آشکار نیست و هنرمند نیز قصد پنهان‌کاری عمدی ندارد، بلکه به تناسب محتوا و موضوع و تداعی و نبوغ هنری خود، ناخودآگاه، به پشتوانه فرهنگی خویش رجوع می‌کند و بخشی از آن را بازآفرینی می‌کند. در تطبیق بینامتنیت ضمنی با نظریه بلاغت اسلامی، بینامتنیت ضمنی با دو گونه از آرایه‌های بلاغی منطبق می‌شود: ۱ - آرایه‌های متأثر از متون پیشین مانند تلمیح، ارسال‌المثل، تصویر آفرینی الهامی. ۲ - تأثیرپذیری نشانه‌ای: در این تأثیرپذیری نویسنده تنها نشانه‌هایی از متون پیشین را در اثر خود می‌گنجاند. برخی از این تأثیرپذیری‌ها عبارت‌اند از: وام‌گیری، ترجمه، اقتباس، الهام و بازآفرینی.

در رساله اصول الفصول، اقتباس، بیشترین گونه بینامتنیت ضمنی است که نویسنده نسبت به سایر نمونه‌های این قسم، بیشتر از آن بهره برده است. پس از اقتباس، نویسنده به ترتیب از گونه‌های ارسال‌المثل، اقتباس، عقد و تمثیل، بیشترین استفاده را کرده است. برخی نمونه‌های کاربرد بینامتنی ضمنی عبارت‌اند از:

۴-۲-۱. اقتباس

«در لغت و گرفتن آتش باشد و در اصطلاح آن است که شاعر یا نویسنده در ترکیب کلام و ترتیب سخن، آیتی از آیات قران یا حدیثی از احادیث نبوی یا مسأله‌ای از مسائل

فقهی را بر سبیل تبرک و تیمن، ایراد کند» (واعظ کاشفی، ۱۳۶۹: ۱۴۷). هدایت در عبارت زیر می‌گوید:

«كما قال عزه شأنه: إِنْ عَلَيْنَا جَمْعُهُ وَقُرْآنُهُ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْهُ ثُمَّ إِنْ عَلَيْنَا بَيَانَهُ» و از این حقیقت است، فصل و جمع یوم القیامه که یوم الجمع است و یوم الفصل عبارت از آن است.» (هدایت: ۱۵۰).

یوم الفصل که از آیه زیر اقتباس شده است: «هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ» (مرسلات/۲۹)؛ این روز داوری است، شما و پیشینیان را گرد آورده‌ایم. همچنین «وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلذِّی فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، حَنِيفًا مُسْلِمًا» و امثال این‌ها. (هدایت: ۲۹۹). در انتهای آیه «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلذِّی فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» کلمه «مُسلماً» ندارد. «اگر صحبت و خدمت او میسر نگردد تابعین او که تربیت یافته توجّه اویند به مضمون «المومن مرآت المؤمن» باز ضلال و عکوس او می‌باشند. متابعت ایشان مانند متابعت او، بل عین اطاعت او خواهد بود. قال الله تعالی شأنه «مَنْ... وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّى وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا»، مصراع مردان خدا ز خاکدان دگرند. (هدایت: ۱۵۰).

در قران کریم اصل آیه این‌گونه آمده است: «وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّى وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا» (نسا/۱۱۵) و هرکس پس از آنکه حق و هدایت برایش آشکار شد با پیامبر مخالفت کند و راهی جز راه مسلمانان در پیش گیرد، او را با مراد خویش وامی‌گذاریم و به دوزخش درمی‌آوریم و چه بد سرانجامی است.

پس مضمون «خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ» و هم‌چنین «جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ» درست خواهد آمد. «وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ» و امثال این آیات را حمل بر جزء غالب نباید کرد. (هدایت: ۳۰۷).

اصل آیه در قران کریم این‌گونه آمده است: «فَأَسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ» (صافات/۱۱) پس از ایشان بپرس آیا آفرینش آنان استوارتر است، یا آنانی که آفریده‌ایم، ما ایشان را از گلی چسبنده آفریده‌ایم.

۴-۲-۲. تلمیح

گاهی بینامتنیت ضمنی، محملی است که هنرمند به مدد آن به بیان غیرمستقیم و کنایه‌اندیشه و پیام خود مبادرت می‌کند تا تأثیر کلام را افزون و زیبایی آن را مضاعف سازد؛ مثلاً هدایت ضمن ایجاد پیوند بینامتنی ضمنی (تلمیح) میان نوشته خود، به کنایه به آیه ۲۵ سوره آل عمران اشاره کرده است: «در ذکر قسمتی از اوراد که در هنگام جمعیت و فراغ بال به آن اشتغال باید نمود و اگر حضور و جمعیتی و فرضی و فراغتی نباشد، ترک آن را مضرّتی نباشد. از آن جمله بعد از فراغ، اوراد مذکوره نماز صبح اگر بخواهد کلمه جبرئیلیه را به عدد عین الجمع، مکرر نماید و همچنین آیه القدره را به عدد خمس عین الجمع بخواند. (هدایت: ۱۵۱). در عبارت فوق، آیه القدره، تلمیح دارد به آیه ۲۵ سوره آل عمران «فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (آل عمران/۲۵). تا اینان در روزی که شکی در فرارسیدن آن نیست و گردشان آوریم و به هرکس جزای کردارش به تمامی داده شود و بر هیچ‌کس ستم نرود، چه خواهند کرد؟

۴-۲-۳. عقد

عقد در لغت بستن باشد و در اصطلاح آن است که چیزی از قران یا حدیث ایراد کنند، نه بر طبق اقتباس، بلکه الفاظ آن را تغییر دهند تا بر وزن راست آید؛ اما مضمون همان باشد (واعظ کاشفی: ۱۴۸). هدایت نوشته زیر را به صورت عقد از قران کریم گرفته است:

آن که هرکه قصد معارضه آن کرد از درجه فصاحت، خود نیز افتاد و آن به منع الهی می‌باشد و هرکه گوید، قران فصیح نیست، گوئیم برای تو بهتر، اگر راست می‌گویی، مانند آن غیر فصیح بیاور. (هدایت: ۱۹۸) «فَاتُوا بِسُورَةٍ» نشانه‌ای قرآنی است که با مدلول خویش سبب ایجاد پیوند میان متن اصول الفصول با آیه ۲ سوره بقره «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره/۲) شده است.

«طریق شرع مصطفوی علیه الصلواہ والسلام طریق حنفاست نه صائین. چنان‌که فرموده: «بَلْ نَتَّبِعُ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا» و همچنین «وَجْهَتُ وَجْهِي لِلذِّی فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، حَنِيفًا مُّسْلِمًا» و امثال اینها. (هدایت: ۲۹۹).

عبارت حاضر بدین شکل در اصول الفصول آمده است؛ اما تغییری اندک در آیه ۱۳۵
سوره بقره، یافت می‌شود: «وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا
وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (بقره/۱۳۵).

«قال الله تعالى: تَعَاوَنُوا الْبِرَّ وَالتَّقْوَى پس بر بی تقوا به منزله مرغ یک بال باشد که قادر
بر پریدن نخواهد بود. (هدایت: ۲۲). اصل آیه بدین گونه است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا
تُجِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشُّهُرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِنَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتِغُونَ فَضْلًا
مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ
الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ
اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مانده/۲). ای مؤمنان حرمت شعائر الهی و ماه‌های حرام و قربانی‌های
نشاندار و قربانی‌های قلاده‌دار و زائران بیت‌الحرام را که از پروردگارشان جویای گشایش
معاش و خشنودی او هستند، نگه دارید و چون از حال احرام بیرون آمدید، می‌توانید به
شکار پردازید و دشمنی با مردمی که شما را از مسجدالحرام باز می‌دارند، بر آن ندارد که
تجاوزکاری کنید و در نیکی و پارسایی هم‌دستی کنید نه در گناه و ستم‌کاری و از خدا
پروا کنید که خداوند سخت کیفر است. «إليه الله حذر کنید از قید التزام اقتضای جمهور
جهله و اختفای مشهور سفله، فرّیما مشهور لا اصل له فوالله ثم والله وكفى بالله شهيدا انی
قد حریت مرارا ماشریت من كووسهم الا مرارا و لو اطلعت علیهم لوکیت الی المقصود»
(هدایت: ۲۷۳). «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ
عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (رعد/۴۳) و کسانی که کفر ورزیدند، گویند: تو فرستاده (خدا) نیستی.
بگو: گواهی خدا و کسی که علم کتاب نزد اوست، میان من و شما کافی است.

۴-۲-۴. تمثیل

تمثیل (Allegory) از شگردهای بیان هنری در کلام است. تمثیل در واقع، تشبیهی
مرکب است که نویسنده یا گوینده برای درک بهتر معنی از سوی مخاطب و ایجاد
تصویری عینی از موضوع مورد نظر خود در ذهن مخاطب، آن را به کار می‌گیرد. تمثیل
می‌تواند به اشکال مختلف در سخن ایجاد شود؛ از ذکر مثالی ساده در سخن گرفته تا
روایتی که صبغه تمثیلی دارد. تمثیل در تعریف، آراستن عبارت نظم، نثر با جمله‌ای

متضمن مطلبی حکیمانه آمده است؛ شگردی که موجب آرایش و تقویت سخن می‌شود (ر.ک. همایی، ۱۳۷۷: ۲۹۹). در تعریف‌های متأخرتر، به جنبه‌ی روایی تمثیل توجه بیشتری شده است؛ چنان‌که تمثیل، بیان حکایت و روایتی خواننده شد که هرچند معنای ظاهری دارد؛ اما آنچه مدّ نظر گوینده است معنای کلی دیگری است (ر.ک. شمیسا، ۱۳۷۹: ۷۹). در نوشته زیر: «و اگر گویند که در زمان محمد (ص) فصحا بسیار بودند و خواستند که اینان به مثل قرآن نمایند، نتوانستند؛ پس گوییم که اول مسلم نداریم که در عصر محمد (ص) فصحا بسیار بودند؛ زیرا که در چند جای قرآن مذکور است که تو را در میان امیان برانگیختم و به اتفاق روات و مفسرین قوم عرب را به علت عدم سواد و کتابت، امیّ گفتند» (هدایت: ۱۹۷). متن فوق ترجمه‌ی آیه «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (جمعه/۲) است. «هرگاه کسی به دیده‌ی تحقیق بر احوال علمای زمان سیمما بر کردار علمای ایران ملاحظه نماید، علم‌الیقین حاصل می‌کند که عموم ایشان از اقسام سبعة بیرون نیستند؛ بلکه هر یک از ایشان اقسام سبعة را دارند-مه شیء زاید- مگر شرّ ذمه‌ی قلبی که صدرنشین محفل حقیقت باشد و آیه شریفه «وَقَلِيلٌ مِنَ عِبَادِيَ الشَّكُورُ» شاهد مدعاست» (هدایت: ۲۴۳). متن فوق اشاره به آیه «يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَتَمَائِيلٍ وَجَفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ» (سبا/۱۳) دارد. [آن متخصصان] برای او هر چه می‌خواست از نمازخانه‌ها و مجسمه‌ها و ظروف بزرگ مانند حوضچه‌ها و دیگ‌های چسبیده به زمین می‌ساختند، ای خاندان داوود شکرگزار باشید و از بندگان من اندکی سپاس گزارند.

۴-۲-۵. ارسال‌المثل

این صنعت چنان است که در طی کلام، درج امثال سائره بنمایند. (تقوی، ۱۳۶۳: ۲۷۶). حقیقت مثل این است که سخنی در رابطه با پدیده‌ای گفته شود و به مرور زمان در موارد مشابه، از آن بهره‌گیری گردد و این نوع بهره‌گیری به قدری مستمر باشد که سخن حالت «ضرب‌المثل» به خود بگیرد. گروهی از آیات که حامل پیام‌های حکیمانه یا بیانگر سنت‌های الهی می‌باشند، در طول زمان از آن‌ها در کلمات خطیبان و نویسندگان به

عنوان شاهد بهره‌گیری شده و به تدریج حالت مثل به خود گرفته‌اند. تا آنجا که جامعه اسلامی این نوع آیات را به عنوان مثل در موارد مشابه به کار می‌برد. هدایت در متن زیر عبارت «هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ» را به صورت ارسال‌المثل به کار برده است. «و اگر فعلی از افعال مخدوم در نظر او مستغرب یا خارج از قاعده نماید، به افق و کنایت یا تمثیل و کنایت سبب آن را از او استفسار کند و تعرض مانند مقدمه خضر و موسی علیه‌السلام نکند که به واسطه سؤال، مستحق هذا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ گردد.» (هدایت: ۳۰۵). ضرب‌المثل فوق برگرفته از آیه زیر است. «قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا» (کهف/۷۸). [خضر] گفت اینجا دیگر [هنگام] جدایی من و توست، هم‌اکنون تو را از معنای آنچه بر آن صبر نتوانستی کرد، آگاه می‌سازم. به واسطه احاطه به حقایق جمیع موجودات امکانیه، بحيث لَأ يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ، خیر را از شر باز یافته و موافق را از مخالف سوا نموده، لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ. (هدایت: ۲۹۹).

عبارت فوق اشاره به ضرب‌المثل «کسی به کسی نیست» دارد.

«لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضَهُ عَلَى بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (انفال/۳۹)، [چنین است] تا خداوند پاک را از پلید جدا کند و پلید را برهم نهد و همه را برهم بیفشرد و سرانجام در جهنم اندازد، اینان همان زیان‌کاران‌اند. «و این که گفتی از قرآن ظاهر است که ذکر آن حضرت در کتب سلف نبوده است از آن جمله در سوره بینه است. لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ «هدایت/۲۱۶». «لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً»، (بینه/۲-۱)، کافران اهل کتاب و مشرکان دست‌بردار نبودند تا دلیلی آشکار بر ایشان آید. فرستاده‌ای از جانب خدا که [بر آنان] صحیفه‌هایی پاک را تلاوت کند (نمودار شماره ۲).

در این گونه از بینامتنیت نویسنده، پیوند میان متن خود با متن پیشین را به عمد پنهان می‌کند (همان، ۶۵). در بلاغت اسلامی، سرقت‌های ادبی را نمونه بارز این گونه بینامتنیت می‌نامند. برخی نمونه‌های این بینامتنیت عبارت‌اند از:

۴-۳-۱. اشاره

در لغت به معنی نمودن به دست و چشم و یا ابرو و جز آن است. در اصطلاح ادیبان آن است که گوینده یا نویسنده در الفاظ اندک، معانی بسیار ایراد کند و کلام او حاکی از کنایه و اختصار و ترک تفسیر است. (تهانوی، ۱۹۹۶، ۴۳). چنان‌که در آیه کریمه می‌فرماید: «وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلَدُّ الْأَعْيُنُ وَ أَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (زخرف/۷۱).

یا در آیه کریمه دیگر می‌فرماید: «إِذْ يَغْشَى السَّيِّدَةَ مَا يَغْشَى» (نجم/ ۱۶) و یا: «الْقَارِعَةُ مَا الْقَارِعَةُ» (قارعه/ ۱-۲). قارعه. چیست قارعه؟

نمونه‌های زیادی را می‌توان در اصول الفصول به عنوان شاهد برای این مورد آورد. در اینجا به چند نمونه بسنده می‌کنیم: «و همچنین آیه الاعتراف را که مشتمل است بر سه فصل و محتوی است بر سه اصل به عنوان خطاب با رب الارباب در مقام حضور حضرات نورالانوار-اعلا سلطانه و جل برهانه- به عدد عین الجمع تلاوت نماید» (هدایت: ۱۵۱) آیه الاعتراف که متأثر از آیه کریمه زیر است: «وَذَا التُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» (انبیا/۸۷) و ذوالنون (صاحب ماهی /یونس) را (یاد کن) که خشمگانه به راه خود رفت و گمان کرد هرگز بر او تنگ نمی‌گیریم، آنگاه در دل تاریکی ندا در داد که خدایی جز تو نیست، پاکی که تویی، من از ستمکاران بودم.

«بر سالک طریق حق لازم و بر متذکرین محقق، متحتم است که همواره در حین وقوع عطسه، به قرائت آیه الاستشهاد که در حقیقت اقرار به عبودیت و استشهاد بر این معنی از آن حضرت است، مواظبت نماید» (هدایت: ۱۵۳).

آیه الاستشهاد که متأثر از آیه کریمه زیر است: «إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ» (یس/۲۵). پس سخن مرا بشنوید [و شهادت دهید] که من به پروردگارتان ایمان آورده‌ام.

«و بعد از نماز مغرب و فراغ از تلاوت آیه العظیمه التامه و سبحة طاهره بر وجهی که در فصل اول نگارش یافت به تلاوت سوره العظیمه اشتغال نماید و هم چنین بعد از نماز عشا و فراغ از آیه و سبحة مذکورترین به قرائت سوره البرکه مشغول گردد... بعد از قرائت سوره البرکه به تلاوت سوره النبوه یک دفعه، سوره الولایه سه دفعه اشتغال نماید» (هدایت: ۱۵۲).

در عبارت فوق «سوره العظیمه» مراد، سوره واقعه و «سوره البرکه» مراد سوره ملک و «سوره النبوه» مراد سوره فاتحه الكتاب و «سوره الولایه» مراد سوره توحید است.

«و بعد از فراغ، به تلاوت آیه العظیمه التامه که صراط المستقیم عقاید حقه است و بر اسرار توحید و عدل و نبوت و امامت و معاد، محتوی و بر سر علو و دنو ذات تعالی مجده منظوی و مشتمل به نفی تشبیه و تعطیل و اثبات امر بین الامرین در صفات و نفی جبر و تفویض و اثبات امر بین الامرین در افعال است» (هدایت: ۱۴۵).

در عبارت فوق «سوره العظیمه» مراد آیه الکرسی است.

۴-۳-۲. حل یا انتحال

حل در لغت از هم باز کردن و گشودن است و در اصطلاح آن است که تفسیر و ترجمه آیه یا روایتی را به نظم بیاورند. (رادفر، ۱۳۶۸، ج ۱: ۵۸)

از آن شد کُلُّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنِهِ

که تا پیدا کند بر خلق یک یک شان آن سلطان

(هدایت: ۶۶)

بیت اشاره دارد به آیه «یَسْأَلُهُ مَنْ فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ کُلَّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ» (الرحمن/۲۹). هر که در آسمانها و زمین است از او درخواست می کند، هر زمان او در کاری است.

«پس علمای اسلام، عدم تعلّم خط و سواد را مؤید صدق آن حضرت قراردادند که فرمود «قران از جانب خداست» نه آن که عدم تعلّم را معجزه قران بدانند» (هدایت: ۱۹۸)

که عبارت فوق، تحلیلی از معنی آیت قرانی زیر است که می فرماید: «قُلْ فَاتُوا بکِتَابِ مِنُّ

عَنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (قصص/ ۴۹) بگو اگر راست می‌گویید کتابی از سوی خداوند بیاورید که از این دو راهنما تر باشد تا از آن پیروی کنم.

«ایاکم و ایاکم ایها الاخوان فی الدین و شرکائی فی تحصیل مراتب الیقین از جمهور و تقلید در امر دین بلکه بر شما باد تمسک به حبل‌الله المتین و انقطاع به خداوند رب‌العالمین» (هدایت: ۲۷۵).

عبارت فوق اشاره دارد به آیه «إِعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل‌عمران / ۶۰). همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید. (نمودار شماره ۳) نکته‌ای که در اینجا می‌توان یادآور شد این است که در پیوند با بینامتنیت پنهان - تعمدی، می‌توان نظریه «دیگر انگیزش» ژنت را نیز مطرح کرد. ژنت یادآور می‌شود که گاهی دگرگونی‌ها، حاصل فرایند «دیگر انگیزش» است. بدین معنا که نویسنده‌ای دیگر متون را از متن فرهنگی پیش از خود برمی‌گیرد؛ اما آن‌ها را همسو با انگیزه شخصی خودش دگرگون می‌کند. منتقدان پیرو رویکرد بینامتنیت، بر این باورند که پس متن، گاه ممکن است در متون پسین جولانگاه دگرگونی‌های اساسی شود. نظر ژرار ژنت در این باره چنین است: «متون می‌توانند بر اثر فرایندهای خودپیرایی، حذف، تقلیل، تشدید و ... دگرگون شوند. زیرمتن‌ها می‌توانند متحمل فرایندهای بسط، آرایش و گسترش شوند.» (آن، ۱۳۸۰: ۱۵۶).

بنابر این در بسیاری موارد، ممکن است نویسنده، تعمدی و با انگیزه قبلی، متون پیشین را تغییر داده و در متن خود آورده باشد. «همچنین اگر برخی موارد از جمله اشمال را سرقت ادبی، قلمداد کنیم، ضمن اینکه بسیاری از آثار ادبی فارسی ارزش خود را از دست خواهد داد و حذف خواهند شد، دوگانگی به بار آمده از تعریف‌ها، انسجام نظریه بلاغت اسلامی را مخدوش خواهد کرد» (صباعی، ۱۳۹۱: ۶۶). در کتاب اصول الفصول، ده مورد بینامتنیت پنهان - تعمدی به کار رفته است. هرچند بر اساس نظریه بلاغت اسلامی، بینامتنیت پنهان - تعمدی، نوعی سرقت ادبی محسوب می‌شود؛ اما در بسیاری موارد، نویسنده، متون پیشین را با ظرافت و هنرمندی به‌کاربرده است و مخاطب از آن شگفت‌زده می‌شود. بنابر این حتی هنرمندی نویسنده در کاربرد این نوع بینامتنیت، گاهی می‌تواند موجب اعجاب و اقع مخاطب گردد.

به نظر نویسندگان، در منابع بلاغت اسلامی، تعریف دقیق و تحدید حوزه معنایی برخی از انواع بینامتنی پنهان که با عنوان سرقت ادبی از آن‌ها نام برده شده، به درستی صورت نگرفته است؛ برای مثال، تضمین، اقتباس، توارد، تتبع یا تقلید که در ادبیات فارسی نمونه‌های بی‌شماری دارد، اگر سرقت قلمداد شوند، ضمن اینکه بخشی از آثار ادبی فارسی ارزش ادبی خود را از دست خواهند داد و حذف خواهند شد، دوگانگی به بارآمده از تعریف‌ها، انسجام نظریه بلاغت اسلامی را مخدوش خواهد کرد؛ مثلاً چگونه می‌توان با یک تعریف یکسان، اقتباس از آیه و حدیث را حُسن و آرایه تلقی کرد، اما اقتباس از شعر یا اثری ادبی را سرقت دانست؟ شاید همین ناهماهنگی و دوگانگی راه را بر تشکّل، انسجام و پویایی نظریه بلاغت اسلامی بسته باشد.

گفتنی است که در سنت ادبی فارسی، مثلاً در منابع تعلیمی فن شعر و دبیری، پیوسته به لزوم حفظ و فراگیری آثار و اشعار ادبی گذشته، سفارش کرده‌اند. این آموزه‌ها، در صورت عملی شدن، خود به خود، زمینه پیوند بینامتنی را فراهم می‌سازند. اگر تقلید، تتبع و استقبال شاعران از شاهکارهای هنری پیشین، سرقت تلقی شود، تناقض و تضادی آشکار در نظریه تعلیمی فن شعر و دبیری با بلاغت اسلامی پدیدار خواهد شد.

بینامتنی	پنهان تعمدی: سرقت‌های ادبی
سرقت‌های ادبی	اشاره- حل یا انتحال

۵. نتیجه‌گیری

بر بنیان نظریه بینامتنی، هر متنی متأثر از متون پیشین و حافظ سنت و میراث گذشتگان است. آثار نویسندگان به میزان زیادی به متون پیشین بستگی دارد و ردّ پای آثار گذشتگان به‌خوبی در آن‌ها مشهود است. به بیان دیگر، بینامتنیت دگرگونی و حضور متون پیشین و میراث فرهنگی گذشتگان را در ابداعات و آثار نویسندگان جدید و در ساختار و لایه‌های آشکار و پنهان اثر مورد بررسی قرار می‌دهد و بدین وسیله هویت یک اثر را آشکار می‌کند. بینامتنیت که حضور تمام یا پاره‌ای از یک متن پیشین یا معاصر در متن پیش روست، در ادبیات فارسی از دیرباز به‌طور سنتی، رایج بوده و بحث از آن در منابع بلاغت، به ویژه بخش سرقت‌های ادبی و فنّ بدیع، مطرح شده است. در نظریه

بینامتنیت از سه گونه پیوند بینامتنی ضمنی، آشکار و پنهان سخن رفته است که می‌توان آن‌ها را با بخش‌هایی از بلاغت اسلامی تطبیق داد.

بینامتنی آشکار- تعددی با تضمین در بلاغت اسلامی و انواع فرعی آن، که تا پانزده گونه برشمرده شده‌اند، همخوانی دارد. این‌گونه پیوند بینامتنی، زمینه تداوم سنت ادبی را فراهم می‌سازد و با عنایت به اینکه بینامتنیت به منزله ارتباط بین متون است و میزان مشترکات و تأثیرپذیری متن‌ها از یکدیگر را پی می‌گیرد. بر اساس نظریه بینامتنی، هر متنی متأثر از متون پیشینیان و حافظ سنت و میراث گذشتگان است. آثار نویسندگان به میزان زیادی به متون پیشین بستگی دارد و رد پای آثار گذشتگان به‌خوبی در آن‌ها مشهود است. به بیان دیگر، بینامتنیت، دگرگونی و حضور متون پیشین و میراث فرهنگی گذشتگان را در ابداعات و آثار نویسندگان جدید و در ساختار و لایه‌های آشکار و پنهان اثر، مورد بررسی قرار می‌دهد و بدین وسیله هویت یک اثر را آشکار می‌کند. بر اساس تجزیه و تحلیل فصول شانزدهم و هفدهم کتاب اصول الفصول بر مبنای نظریه ژرار ژنت و تطبیق آن با نظریه بلاغت اسلامی، این نتیجه حاصل گردید که بیشترین کاربرد از بین گونه‌های بینامتنی ژنت در اثر مورد بررسی، بینامتنیت ضمنی است. هدایت با توانایی بالا در نویسندگی و همچنین تسلط کامل بر پیش متن (آیات قرآنی) توانسته به نیکویی از متن، مفاهیم و مضامین، داستان‌ها، نکته‌ها و اسلوب قرآنی در بافت کلامی و معنایی پسامتن (رساله اصول الفصول) بهره‌گیرد و از آن در جهت ارائه مطالب عرفانی مد نظر و احساسات درونی خود و همچنین تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب، استفاده نماید که در تطبیق با بلاغت اسلامی، آرایه اقتباس بیشترین فراوانی دارد.

بینامتنیت آشکار - تعددی در مرتبه دوم قرار دارد. پس از آن بینامتنیت پنهان-تعددی که نسبت به دو گونه دیگر بسامد کمتری دارد. بر اساس بسامد در مرتبه سوم می‌باشد که در پیوند با بلاغت، آرایه اشاره، بیشترین فراوانی را در این‌گونه دارند. در نظریه بلاغت اسلامی، این بینامتنیت با سرقت‌های ادبی معادل شمرده می‌شود. در اصول الفصول هدایت در ۱۰۶ مورد از بینامتنیت ضمنی در قالب‌های بلاغی همچون اقتباس ۸۱ مورد، تلمیح ۱۵ مورد، عقد ۴ مورد و تمثیل و ارسال‌المثل هرکدام ۲ مورد استفاده کرده است. گفتنی است که بر اساس نظریه ژنت، هر اثر در فرایند خودپیرایی، حذف، تقلیل، تشدید

و ... دگرگون می‌شود و ممکن است نویسنده از ایجاد تغییر در متون پیشینیان و استفاده از آن، هدف مشخصی داشته باشد. همچنین در بینامتنیت آشکار-تعمدی، آرایه تضمین ۳۹ مورد به کار برده است و بینامتنیت پنهان-تعمدی ۱۰ مورد استفاده کرده است. از دیدگاه بینامتنی ژنت، متن کتاب اصول الفصول رنگ و بوی قرانی آن آشکار است؛ یعنی هدایت به صراحت مضامین برگرفته از قران و روایات را در سخنش بیان نموده؛ لذا قصد پنهان کاری ندارد و درصد آن است تا مخاطب خویش را بیازماید و او را به تعاملی چند سویه وا دارد. بنابر این، اثر می‌تواند، جولانگاه دگرگونی‌های اساسی و هنرمندانه نویسنده باشد. همچنین اگر تقلید، تتبع و استقبال نویسندگان از شاهکارهای هنری پیشین، سرقت تلقی شود، تناقض و تضادی آشکار در نظریه تعلیمی فن شعر و دبیری با بلاغت اسلامی، پدیدار خواهد شد.

۶. منابع

کتاب

- ۱- قرآن کریم (۱۳۸۴)، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، چاپ نوزدهم، تهران، حافظ نوین.
- ۲- احمدی، بابک (۱۳۸۶)، ساختار و تأویل متن، تهران، مرکز.
- ۳- آلن، گراهام (۱۳۸۰)، بینامتنیت، ترجمه پیام یزدانخواه، چاپ سوم، تهران، مرکز.
- ۴- تقوی، نصرالله (۱۳۶۳)، هنجار گفتار در فن معانی، تهران، فرهنگسرای اصفهان.
- ۵- تهانوی، محمد اعلی (۱۹۹۶)، کشف اصطلاحات الفنون، تحقیق، علی دحروج و دیگران، بیروت، مکتبه لبنان ناشرین.
- ۶- چندلر، دانیل (۱۳۸۶)، مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه مهدی پارسا، تهران، سوره مهر.
- ۷- رادفر، ابوالقاسم (۱۳۶۸)، فرهنگ ادبی-بلاغی، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۸- شمیسا، سیروس (۱۳۷۸)، بیان و معانی، تهران، فردوس.
- ۹- فرضی شوب، منیره (۱۳۹۳)، ثنای سنایی، مقاله، پیشینه کلامی- عرفانی عقاید سنایی در بحث جبر و اختیار در حدیقه، تهران، خانه کتاب.
- ۱۰- کالر، جاناناتان (۱۳۸۸)، در جستجوی نشانه‌ها، ترجمه لیلا صادقی، تینا امراللهی، تهران، نشر علم.

- ۱۱- نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۰)، درآمدی بر بینامتنیت (نظریه‌ها و کاربردها)، تهران، سخن.
- ۱۲- نوریس، کریستوفر (۱۳۸۵)، شالوده شکنی، ترجمه پیام یزدانجو، تهران، نشر مرکز.
- ۱۳- واعظ کاشفی، میرزا حسین (۱۳۶۹)، بدایع الافکار فی صنایع الاشعار، تصحیح میرجلال الدین کزازی، تهران، مرکز.
- ۱۴- همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۷)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، هما.
- ۱۵- یزدانجو، پیام (۱۳۷۹)، ادبیات پسامدرن. تهران، مرکز.

مقالات:

- ۱- ایرج‌پور، محمدابراهیم (۱۳۸۷)، «تصحیح، تحشیه و مقدمه‌ای بر اصل شانزدهم و هفدهم اصول الفصول»، رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، تابستان.
- ۲- حیدری، فاطمه، دارابی، بیتا (۱۳۹۲)، «بینامتنیت در شرق بنفشه اثر شهریارمندی پور»، فصلنامه جستارهای ادبی تربیت مدرس، شماره ۲، صص ۵۵-۷۴.
- ۳- روضاتیان، مریم. میرباقری فرد، سیدعلی اصغر (۱۳۹۰)، «خوانش بینامتنی، دریافت بهتر متون عرفانی»، کاوش نامه زبان و ادب فارسی، شماره ۲۳، صص ۸۹-۱۱۲.
- ۴- ساسانی، فرهاد (۱۳۸۳)، «بینامتنیت پیشینه و پیشینه نقد بینامتنی»، نشریه فرهنگ و هنر، شماره‌های ۵ و ۶، صص ۱۷۲-۱۸۵.
- ۵- سلمانی، محمدعلی، یاری، علی اصغر (۱۳۹۰)، «بینامتنی لفظی شعر بدوی با قران کریم»، فصلنامه لسان مبین، سال سوم، شماره ۶، صص ۱۰۷-۱۲۳.
- ۶- صباغی، علی (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی محورهای سه‌گانه بینامتنیت ژنت و بخش‌هایی از نظریه بلاغت اسلامی»، پژوهش‌های ادبی، شماره ۳۱، صص ۷۱-۵۹.
- ۷- صلاحی مقدم، سهیلا و امیری، اکرم (۱۳۹۲)، «تأثیرپذیری امام خمینی و حزین لاهیجی از حافظ در موسیقی کناری بر اساس نظریه بینامتنیت»، هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، هرمزگان، صص ۱۲۱۲-۱۲۲۰.
- ۸- قاسم‌زاده، سیدعلی، ذبیح نیا عمران، آسیه، جمال زهی، فرخنده (۱۳۹۳)، «بینامتنی منظومه جمشید و خورشید سلمان ساوجی از منظر تاریخ‌گرایی نو»، مجله شعر پژوهی (بوستان ادب)، دانشگاه شیراز، سال ششم، شماره ۱، صص ۱۳۳-۱۵۶.

۲-Kristeva, J. (۱۹۸۴). Revolution in Poetic Language. Trans. Leons. Roudiez.

New York: Columbia University Press

۳-Philips,p. (۲۰۰۵). Genette and Ego o Intertextuality,Semeia.

۴-Genette, Gerard(۱۹۹۷). Palimpsests: Literature in second degree, Translated by: Channa Newman and Calude Doubinsky, University of Nebraska press, Lincoln.

پی‌نوشت‌ها:

بینامتنیت آشکار - تعددی

نمونه‌های تضمین در این‌گونه در صفحات زیر از کتاب اصول الفصول آمده است:
(ص ۳۰۵، طه/۲)، (ص ۳۰۰، زلزال/۷)، (ص ۲۹۷، احزاب/۷۲)، (ص ۲۷۹، نحل/۹۸)،
(ص ۲۷۳، صافات/۹۹)، (ص ۲۵۰، ۲۶۹، الرحمن/۲۶)، (ص ۲۶۴، اسرا/۴۳)، (ص ۲۵۵،
نحل/۷۴)، (ص ۲۵۴، حجر/۹۹)، (ص ۱۱۹، ۲۵۲، ۸۰، ضحی/۱۱)، (ص ۲۴۹،
فصلت/۵۲، ۵۳، ۵۴)، (ص ۱۴۳، ۲۴۶، بقره/۱۸)، (ص ۱۳۴، نور/۳۷)، (ص ۱۳۴،
فجر/۲۷)، (ص ۷۶، نور/۳۹)، (ص ۲۴۶، بروج/۳)، (ص ۲۴۶، ق/۳۷)، (ص ۲۲۸،
بقره/۲۵۶)، (ص ۲۲۸، فجر/۲۷)، (ص ۲۱۸، ضحی/۷)، (ص ۲۱۸، انشراح/۲)، (ص
۲۱۸، الفتح/۱)، (ص ۲۰۸، انعام/۱۰۹)، (ص ۲۰۸، انبیا/۶)، (ص ۲۰۳، روم/۲)، (ص
۱۵۱، انبیا/۸۸)، (ص ۱۵۰، قیامت/۱۷-۱۹)، (ص ۱۴۶، نسا/۷۶)، (ص ۱۴۵، احزاب/۵۶)،
(ص ۱۴۵، تکویر/۱۸)، (ص ۱۴۵، احزاب/۴۲)، (ص ۱۴۳، رعد/۲۸)، (ص ۹۹،
آل‌عمران/۱۶۹)، (ص ۸۸، انبیا/۱۰۱-۱۰۲)، (ص ۸۰، ذاریات/۵۵)،

بینامتنیت ضمنی

نمونه‌های اقتباس در این‌گونه در صفحات زیر از کتاب اصول الفصول آمده است:
(ص ۳۰۶، کهف/۱۷)، (ص ۳۰۵، یونس/۳۵)، (ص ۳۰۵، مزمل/۲۰)، (ص ۳۰۴،
منافقون/۹)، (ص ۳۰۳، جمعه/۹، جمعه/۱۰)، (ص ۳۰۳، حدید/۲۰)، (ص ۳۰۲، طه/۱۴)،
(ص ۳۰۰، توبه/۱۱۹)، (ص ۳۰۰، توبه/۴۹)، (ص ۳۰۰، عنکبوت/۵۴)، (ص ۳۰۰،
هود/۱۱۴)، (ص ۲۹۹، سبا/۳)، (ص ۲۹۹، بقره/۲۱۶)، (ص ۲۹۷، لقمان/۲۰)،

(ص، ۲۶۹، ۲۹۴، ۲۵۰، قصص/۸۸)، (ص ۳۹۳، اعراف/۱۷۹ و ۱۹۵)، (ص ۲۹۳، جمعه/۲)،
 (ص ۲۹۳، اعراف/۱۴۴)، (ص ۲۷۸، اعراف/۴۳)، (ص ۲۷۸، ص/۷۵)، (ص ۲۷۶،
 ابراهیم/۲۲)، (ص ۲۷۵، فلق/۲)، (ص ۲۷۳، بقره/۱۱۱)، (ص ۲۷۳، کهف/۱۸)، (ص
 ۲۶۹، زمر/۶۹)، (ص ۲۶۷، آل عمران/۳۰)، (ص ۲۶۵، انعام/۱۰۲)، (ص، ۲۵۴، ۷۲،
 کهف/۱۱۰)، (ص ۲۵۴، انفال/۱۷)، (ص ۲۵۳، ۲۵۴، هود/۱۸)، (ص ۲۵۴، فاطر/۶)، (ص
 ۲۵۲، زخرف/۸۴)، (ص ۲۵۲، مائده/۷۳)، (ص ۲۵۲، مجادله/۷)، (ص، ۱۱۰، بقره ۲۵۲،
 نور/۳۵)، (ص ۲۵۲، سبأ/۲۴)، (ص، ۱۱۵، ۱۱۵، بقره/۱۱۵)، (ص ۲۴۹، یوسف/۷۶)، (ص
 ۲۴۶، حج/۴۶)، (ص ۲۴۶، اعراف/۱۷۹)، (ص ۲۲۵، لقمان/۱۰)، (ص ۲۲۵، کهف/۸۵-
 ۸۶)، (ص ۲۲۳، نسا/۳)، (ص ۲۲۳، مؤمنون/۱۴)، (ص ۲۱۸، شوری/۵۲)، (ص ۲۱۸،
 الفتح/۲)، (ص ۲۱۶، یونس/۹۴)، (ص ۲۱۶، بینه/۴)، (ص ۲۰۸، اسرا/۵۹)، (ص ۲۰۸،
 انعام/۱۱۰)، (ص ۲۰۸، انعام/۱۲۴)، (ص ۲۰۸، اسرا/۹۳)، (ص ۲۰۸، انبیا/۵)، (ص ۲۰۳،
 نور/۵۵)، (ص، ۱۲۳، ۲۰۰، حشر/۲)، (ص ۱۵۰، انبیا/۳۰)، (ص ۱۴۶، بقره/۲۵۷)، (ص
 ۱۴۴، فتح/۴)، (ص ۱۴۴، بقره/۲۹)، (ص ۱۴۳، الحاقه/۱۲)، (ص ۱۴۳، مجادله/۲۳)، (ص
 ۱۴۳، اعراف/۱۷۸)، (ص ۱۳۵، زمر/۳۶). (ص ۱۱۲، تغابن/۸)، (ص ۹۸، شعرا/۲۲۷)،
 (ص ۹۰، شوری/۲۳)، (ص ۹۰، سبأ/۴۷)، (ص ۸۰، ابراهیم/۳۴)، (ص ۷۹، بقره /۳۰)،
 (ص ۷۵، کهف/۶۵)، (ص ۷۲، جاثیه، ۲۳)،

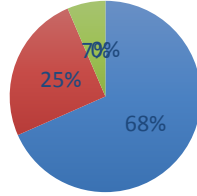
نمونه‌های تلمیح در این گونه در صفحات زیر از کتاب اصول الفصول آمده است:

(ص ۳۰۲، عنکبوت/۴۵)، (ص، ۲۹۳، ۱۱۰، نور/۳۵)، (ص ۲۹۳، یونس/۵)، (ص
 ۲۵۴، ۲۵۰، ۲۹۲، حدید/۳)، (ص ۲۹۲، نور/۳۵)، (ص ۲۹۲، بقره/۲۵۳)، (ص، ۲۱۷، ۲۸۲،
 نحل ۴۳ و انبیا/۷)، (ص ۲۵۳، انعام/۹۱)، (ص ۱۱۹، ۲۵۲، نجم/۳۲)،

نمونه‌های اشاره در این گونه در صفحات زیر از کتاب اصول الفصول آمده است:

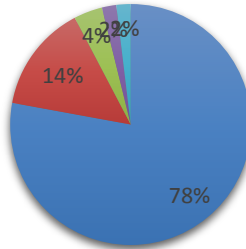
(ص ۲۶۸، اعراف/۱۵۶)، (ص ۲۱۶، بینه/۲)، (ص ۱۴۴، مریم/۱۶-۲۰)،

نمودار ۱- فراوانی انواع بینامتنیت



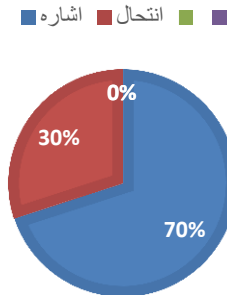
■ بینامتنیت پنهان-تعمدی ■ بینامتنیت آشکار-تعمدی ■ بینامتنیت ضمنی

نمودار ۲- فراوانی انواع بینامتنیت ضمنی



■ ارسال المثل ■ تمثیل ■ عقد ■ تلمیح ■ اقتباس

نمودار ۳- فراوانی انواع بینامتنیت پنهان-تعمدی



■ اشاره ■ انتحال ■ انتحال